

زبان تخصصی مهندسی مکانیک

قسمت اول

فصل اول : تلفظ صحیح کلمات (Phonetics)

یکی از مهمترین عوامل که موجب فراموشی زبان انگلیسی می گردد، عدم یادگیری صحیح تلفظ کلمات است. زمانی که تلفظ یک کلمه را به طور صحیح بیاموزیم با تکرار کلمه مورد نظر در رسانه ها این کلمه خود به خود برای ما تکرار خواهد شد. اما اگر تلفظ کلمه را به صورت صحیح نیاموخته باشیم هیچگاه این کلمه برای ما تکرار نخواهد شد و باعث فراموشی آن از حافظه ما می گردد.

لذا در این فصل نحوه صحیح تلفظ کلمات را به شما آموزش می دهیم.

ذکر این نکته خالی از لطف نیست که سعی می کنیم تا حد امکان تلفظ کلمات را به صورت آمریکایی American /ə'merɪkən/ به شما آموزش دهیم.

۱-۱- چطور باید نشانه های فونتیک زبان انگلیسی را به صدا تبدیل کرد؟

در ابتدا، جواب به این سوال به نظر ساده می آید. مگر هدف اصلی از اختراع الفبا تبدیل صداها به نشانه ها نبوده است؟

اما در واقع، موضوع کمی پیچیده تر از این حرف ها است.

برای مثال، حرف a را در زبان انگلیسی در نظر بگیرید. این حرف در کلمات change/tʃeɪndʒ/ ، ball/bɔ:l/ و hand/bɔ:l/ به چشم می خورد که در هر کلمه صدای متفاوتی دارد. گاهی اوقات دو حرف با هم استفاده می شوند و یک صدا تولید می کنند، مثل th در کلمه thing/θɪŋ/ گاهی هم یک حرف دو صدای مختلف را همراه با هم دارد، مثل x در کلمه example/ɪg'zæmpl/

این موضوع در زبان فارسی هم وجود دارد. "خواهر" درست است یا "خاهر"؟ چه دلیلی وجود دارد که ث، س و ص هر سه یک صدا داشته باشند؟ چرا در آخر کلمه "نامه"، صدای ه به گوش نمی رسد؟

برای حل این مسئله، در ابتدا باید چیزی را تعریف کنیم به نام phoneme/'fəʊni:m/ یا همان واج. واج ها، واحدهای کوتاه صدا هستند که تلفظ خود را داشته و وقتی در کنار هم قرار می گیرند می توانند صدایی ترکیبی تولید کنند. اگر برای هر واج یک نشانه تعریف کنیم، با قرار دادن نشانه ها کنار هم خواهیم توانست تلفظ صحیح یک کلمه را پیدا کنیم.

واج ها در زبان انگلیسی به دو دسته صدا دار (Vowels/'vaʊəl/) و بی صدا (Consonants/'kɒnsənənt) تقسیم می شوند.

۱-۲- شناخت واج‌های صدادر

بهترین راه شناختن این صداها، استفاده از کلمات آشنا در زبان انگلیسی است. به مثال‌های پایین دقت کنید:

معنی	مثال	صدا	نشانه فونتیک
نشستن	Sit	صدای "ای" کوتاه	/ɪ/
اجازه دادن	let	صدای "اِ" کوتاه	/e/
ریاضیات	math	صدای آ	/æ/
کاهش	reduction	صدای بسیار کوتاه بین "آ" و "اِ" که اصطلاحاً به آن "شوا" می‌گویند	/ə/
پدر	father	صدای آ	/ɑ:/
مجبور بودن	ought	صدای "اُ" کشیده	/ɔ:/
کتاب	book	صدای "او" کوتاه	/ʊ/
به نظر رسیدن	seem	صدای "ای" کشیده	/i:/
پرنده	bird	صدای "اِ" کشیده	/ɜ:/
راهرو	aisle	صدای "آ" کشیده	/a/
کم	low	صدای "اُ" کوتاه	/o/
زود	soon	صدای "او" کشیده	/u:/

۳-۱- واج‌های بی صدا

در جدول زیر واج‌های بی صدای زبان انگلیسی را به همراه مثال‌هایی آورده‌ایم:

معنی	مثال	صدا	نشانه فونتیک
بیشتر	more	صدای "م"	/m/
هیچکدام	none	صدای "ن"	/n/
خواندن	sing	صدای "ن" خفیف، بدون صدای "گ"	/ŋ/
اهلی	pet	صدای "پ"	/p/
کیف	bag	صدای "ب"	/b/
صحبت کردن	talk	صدای "ت"	/t/
سگ	dog	صدای "د"	/d/
گربه	cat	صدای "ک"	/k/
رفتن	go	صدای "گ"	/g/
ماهی	fish	صدای "ف"	/f/
گلدان	vase	صدای "و" به شکلی که ما در فارسی تلفظ می‌کنیم. دندان‌های بالا به لب پایین می‌چسبند.	/v/
چی	what	صدای "و" شبیه به شکلی که عرب‌ها تلفظ می‌کنند، یعنی با لب‌های غنچه شده	/w/
شی	thing	صدایی شبیه به "ث" که از میان نوک زبان و دندان‌های بالایی تولید می‌شود.	/θ/
آن	that	صدایی شبیه به "ذ" عربی که از میان نوک زبان و دندان‌های بالایی تولید می‌شود.	/ð/
گفته	said	صدای "س"	/s/
جایزه	prize	صدای "ز"	/z/
تیز	sharp	صدای "ش"	/ʃ/
لذت	pleasure	صدای "ژ"	/ʒ/
کلاه	hat	صدای "ه"	/h/
گونه	cheek	صدای "چ"	/tʃ/
فک	jaw	صدای "ج"	/dʒ/
بله	yes	صدای "ی" (در بعضی از دیکشنری‌ها به شکل /y/)	/j/

۴-۱- ترکیب واجها و شناخت تلفظ کلمات

حالا که با اجزای تشکیل دهنده صداها آشنا شدیم، می‌توانیم دیکشنری را باز کرده و با تلفظ چند کلمه آشنا شویم.

به عنوان اولین مثال، به سراغ کلمه fish می‌رویم. وقتی که این کلمه را در دیکشنری پیدا می‌کنیم، قبل از اینکه به معنی‌های آن برسیم، تلفظ آن را در میان دو علامت / و با نشانه‌های فونتیک می‌بینیم /f/. به عنوان صدای "ف"، /f/ به عنوان صدای "ای" کوتاه و /ʃ/ که صدای "ش" می‌دهد در کنار هم قرار گرفته و تلفظ کلمه fish را نمایش می‌دهند.

fish¹

/fɪʃ/

noun

1. a limbless cold-blooded vertebrate animal with gills and fins living wholly in water.
"the huge lakes are now devoid of fish"
2. **INFORMAL • BRITISH**
a person who is strange in a specified way.
"he is generally thought to be a bit of a cold fish"

verb

1. catch or try to catch fish, typically by using a net or hook and line.
"he was **fishing** for pike"
synonyms: go fishing, angle, cast, trawl
"some people were fishing in the lake"

کلمات جدید			کلمات جدید		
تلفظ	معنی	کلمه	تلفظ	معنی	کلمه
fin	باله	fin	'lɪmləs	بی عضو	limbless
dɪ'vɔɪd	خالی	devoid	'vɜ:təbrət	مهره	vertebrate
kætʃ	گرفتن	catch	gɪl	آبشش	gill
paɪk	اردک ماهی	pike	hʊk	قلاب	hook
trɔ:l	ماهی گیری (با تور)	trawl	'æŋɡl	ماهی گیری	angle

در گام بعدی، کلمه‌ای دو بخشی را پیدا می‌کنیم: کلمه hotel که دقیقاً آنطور که ما در فارسی سراغ داریم تلفظ نمی‌شود! نکته بعدی، وجود علامت ' در میان بخش اول و دوم کلمه است. این علامت، نشان می‌دهد که "استرس" کلمه روی کدام بخش است؛ یعنی بخش دوم بلندتر و قوی‌تر از بخش اول خوانده می‌شود.

hotel

/hoʊ'tel/

noun

noun: **hotel**; plural noun: **hotels**

1. an establishment providing accommodation, meals, and other services for travellers and tourists.

"a five-star hotel"

synonyms: inn; More

- AUSTRALIAN/NZ

a pub.

- SOUTH ASIAN

a restaurant or cafe.

"a group of four friends had gone to have dinner at a roadside hotel"

کلمات جدید			کلمات جدید		
تلفظ	معنی	کلمه	تلفظ	معنی	کلمه
əka:mə'deɪʃn	سکونت	accommodation	'plɒrəl	جمع	plural
ɪn	مسافر خانه	inn	ɪ'stæblɪʃmənt	بنا	establishment
'roʊdsaɪd	کنار جاده	roadside	kæ'feɪ	کافه	cafe

به عنوان مثال سوم، می‌توانیم واژه mathematics به معنی ریاضیات را ببینیم. قرار گرفتن علامت "شوا" داخل پرانتز به این معنی است که این واج کاملاً اختیاری است و لزومی ندارد که حتماً تلفظ شود.

mathematics

/ˌmæθ(ə)'mætɪks /

noun

noun: **mathematics**; noun: **applied mathematics**; noun: **pure mathematics**

the abstract science of number, quantity, and space, either as abstract concepts (*pure mathematics*), or as applied to other disciplines such as physics and engineering (*applied mathematics*).

"a taste for mathematics"

- the mathematical aspects of something.

plural noun: **mathematics**

"James immerses himself in the mathematics of baseball"

کلمات جدید			کلمات جدید		
تلفظ	معنی	کلمه	تلفظ	معنی	کلمه
teɪst	مزه	taste	'æbstrækt	چکیده	abstract
ɪ'mɜ:s	غوطه ور کردن	immers	'æspekt	جنبه - منظر	aspect

تلفظ	معنی	Quantity کمیت	Unit واحد
æksələ'reɪʃ(ə)n	شتاب	acceleration	meter per seconds
'aŋg(ə)l	زاویه	angle	radian
'aŋgjuələ ~	شتاب زاویه ای	angular acceleration	radian per second squared
~ və'la:səti	سرعت زاویه ای	angular velocity	radian for second
'erɪə	سطح	area	square meter
'densəti	چگالی	density	kilogram per cubic meter
'enədʒɪ	انرژی	energy	joule
fɔ:rs	نیرو	Force	Newton
'fri:kwənsɪ	فرکانس	frequency	hertz
'ɪmpʌls	ضربه	Impulse	Newton's second
leŋθ	طول	length	meter
mæs	جرم	mass	kilogram
'moumənt ~	ممان نیرو	moment of force	Newton meter
paʊər	توان	Power	watt
'preʃər	فشار	pressure	pascal
stres	تنش	stress	pascal
taɪm	زمان	time	second
~	سرعت	velocity	meter per second
'vɑ:lʒəm	حجم	volume solids	cubic meter
'sa:lɪd	مایعات	liquids	liter
wɜ:rk	کار	work	joule